

۵ ویژگی اصلی جنگ نرم و پشت‌پرده اقدامات رسانه‌های دشمن

امروزه دشمن با استفاده از پیچیده‌ترین ترفندها و شیوه‌های جنگ نرم به عنوان یکی از کلیدی‌ترین شیوه‌های تهاجم فرهنگی وارد کارزار مبارزه شده است و این غیر طبیعی و عجیب نیست. آنچه عجیب و غیرواقعی است، غفلت، سهل‌انگاری و خواب‌آلودگی رسانه‌ها و مسئولان خصوصاً متولیان فرهنگی، عدم شناخت و باور ناکافی و نیز بی‌توجهی به هشدارهای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در این زمینه است. تاکیدات، تذکرات و هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری در زمینه جنگ نرم که متأسفانه از دید مدیران فرهنگی مورد غفلت قرار گرفته است، از اهمیت این مسئله به ویژه در برهه کنونی حکایت دارد.

از دیدگاه متخصصان جنگ نرم، "عملیات روانی" در بستر جنگ نرم به عنوان یکی از موثرترین راهبردهای اساسی در پیشبرد اهداف و رسیدن به نتایج مطلوب قابل ارزیابی است. باید دقت داشت که عملیات روانی همان جنگ کلمه و عقیده است؛ خواه به صورت مخفی، آشکار، شفاهی و یا کتبی باشد. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی و احساسی با مخاطب را داشته باشد، می‌تواند به اعماق او نفوذ کند.

به عبارتی دیگر، عملیات روانی استفاده دقیق، طراحی شده و پردامنه از تبلیغات گسترده و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و نهایتاً رفتار افراد است، به نحوی که پشتیبانی قوی برای برآوردن مقاصد و اهداف تولیدکننده آن باشد. باید توجه داشت که جنگ سخت به عنوان ابزار سیاست خارجی میان قدرت‌های بزرگ، از حیز انتفاع افتاده و کشمکش‌ها میان قدرت‌های بزرگ ماهیت روانی و شناختی پیدا کرده و تبدیل به جنگ نرم، هیبریدی و چند لایه شده است.

نباید فراموش کنیم که جنگ نرم، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تهاجم فرهنگی است. اغراق نیست اگر بگوییم که کلیدی‌ترین شیوه تهاجم فرهنگی، امروز از طریق روش‌های نرم ولی ژرف پیگیری می‌شود. جوزف نای یکی از نظریه‌پردازان مفهوم جنگ نرم معتقد است که مبنای جنگ و قدرت سخت، "اجبار" و مبنا و محور جنگ نرم بر "اقناع" است. قابل توجه اینکه هدف اصلی جنگ نرم به مانند جنگ سخت همان مهار،

فروپاشی و براندازی یک نظام سیاسی است، اما ابزار و روش‌های آن متفاوت و از راه تحمیل اراده است.

در جنگ نرم تلاش می‌شود با تاثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه، باور و مدل اداره یک کشور که هویت‌دهنده به یک نظام سیاسی است به چالش کشیده شده و دشمن از همین طریق سعی می‌کند با پروژه بی‌اعتبارسازی و اعتمادزدایی از نظام سیاسی به اهداف مدنظر خود برسد. باید دقت داشت که ابزار اصلی این جنگ، قدرت نرم به ویژه قدرت اقناع‌گری و همراه‌سازی است که عمدتاً با استفاده از ابزار ارتباطی، رسانه و دانش روانشناختی تلاش می‌شود در هویت‌های فکری و فرهنگی تردید ایجاد شود.

تاکید می‌شود که حوزه عملی این جنگ، افکار، اعتقادات، باورها ارزش‌ها و از همه مهم‌تر علایق و گرایش‌های واقعی یا کاذب جامعه هدف است که مهاجم برای اشغال یا سرنگون کردن آن برنامه‌ریزی گسترده کرده و در نهایت با تصرف ذهن و قلوب مردم کشور هدف، تغییر در ساختارها محقق می‌شود. مهاجم در این نوع جنگ با ایجاد شک و تردید در مبانی و ارزش‌های اساسی یک نظام سیاسی و مداخله در امور داخلی با شیوه‌های نوین القا، مدل یک نظام را در عرصه‌های مختلف اجتماعی ناکارآمد جلوه می‌دهد.

جنگ نرم به دلیل پیچیدگی و اتکا به عملیات روانی از ویژگی‌های متنوعی برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1- جنگ نرم با تحرک و جاذبه‌دار است. بدین معنی که جنگ نرم با خلق ارزش‌های جدید، اسطوره‌سازی و نمادسازی، هیجان‌ساز است. این جنگ از احساسات جامعه، نهایت استفاده را می‌برد، چرا که از ارکان مهندسی جنگ نرم، «مدیریت احساسات» است. بدین صورت که تلاش می‌شود از عواطف و احساسات جامعه موردنظر برای نفوذ در افکار و اندیشه‌ها در جهت ایجاد دگرگونی در باورها استفاده شود که در نتیجه بحران آفرین می‌گردد.

2- جنگ نرم، آسیب محور است. بنابراین آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... میدان مانور جنگ نرم است. دشمنان در جنگ نرم با شناسایی نقاط ضعف و آسیب جامعه و نظام مورد نظر، در حوزه‌های ذکرشده فعالیت‌های خود را سامان داده و با خلق آسیب‌های جدید، بر دامنه تحرکات خود می‌افزایند.

3- جنگ نرم، تضاد آفرین است؛ بدین معنا که از محیط‌های آسیب‌زا در جامعه شروع می‌شود و با ایجاد گسل‌های متفاوت و متعدد در بخش‌های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها و ارزش‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای جدید اعضای یک جامعه را در برابر هم قرار می‌دهند. تضادهای به وجود آمده از طریق جنگ نرم، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را برهم زده و زمینه‌های بروز بحران و درگیری‌های داخلی را فراهم می‌سازد. بنابراین تخریب وحدت ملی یکی از ویژگی‌ها و پیامدهای جنگ نرم و عملیات روانی است.

4- جنگ نرم، تردیدآفرین و شبهه‌ساز است. ایجاد بدبینی نسبت به بسیاری از مسائل، یک اصل و قاعده است. حرکت در این عملیات با خلق تردید، ایجاد ناامیدی و یأس و بدبینی همراه است و دشمن برای دستیابی به اهداف خود به صورت هوشمندانه، ظریف و آرام در باورها و اعتقادات اساسی جامعه تردید ایجاد می‌کند و به مرور بر دامنه این تردیدها می‌افزاید تا در نهایت به ایجاد تغییرات اساسی در ارزش‌ها، باورها و هنجارها دست یابد.

5- در جنگ نرم که آرام، تدریجی و زیرسطحی است، تصویری شکست‌خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه می‌شود و در مقابل، مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی خود را پیروز و موفق نشان می‌دهد. در این‌جاست که عملیات روانی با توانی فوق‌العاده صورت می‌گیرد.

قابل توجه اینکه در دکترین جنگ نرم، قاعده این است که مردم کشور، اهداف دشمن را محقق کنند و الزام آن تصرف قلب و مغز است. به عبارت دیگر، کسانی که احساس، قلب و ذهن‌شان تسخیر شده در راستای اهداف دشمن عمل می‌کنند. پرسش این است که راه تسخیر مردم، به‌گونه‌ای که خود آنان خواسته‌های دشمن را محقق سازند، چیست؟ این راه بسیار ساده و در عین حال دشوار است.

برای تاثیر بر ذهن و قلب در دو حوزه شناختی و عاطفی جنگ نرم انجام می‌شود: هدف در بعد شناختی یا ذهنی، تصرف ذهن است. عاملان جنگ نرم با بهره‌گیری از روش اقناع، مجاب‌سازی، تغییر ادراک و شست‌وشوی مغزی در پی آن هستند تا افکار، اندیشه ذهن و نظام شناختی مخاطب را تحت تاثیر قرار دهند. آنان در این زمینه از روش مدیریت ادراک بهره می‌گیرند و در این روش تلاش می‌کنند افراد و نخبگان کشور

هدف را با اطلاعات ویژه‌ای که به آنان القا می‌کنند، نسبت به مسئله‌ای قانع کرده و زمینه سیادت بر مغز آنان فراهم شود.

در بعد عاطفی و هیجانی نیز هدف اصلی، تصرف قلب و تحریک افراد برای اقدام خاص است. عاملان جنگ نرم می‌کوشند نظام عاطفی و هیجانی مخاطبان و نگرش آنان را تحت تاثیر قرار دهند. به عنوان مثال، آنان می‌کوشند نفرت مخاطبان را نسبت به حکومت خویش برانگیزند و عشق و علاقه آنان را معطوف خود سازند. تصرف قلب افراد با ارضاء، تحریک، تحریف، فریب و گمراهی انجام می‌شود. بدیهی است که رضایت افراد از چیزی موجب زمینه‌سازی تصرف قلب آنان می‌شود. دشمن در این زمینه از روش عملیات روانی با تولید سوژه، تفرقه افکنی و تقویت نارضایتی‌ها برای برانگیختن جامعه هدف بهره می‌برد.

شایان ذکر اینکه این مدل از جنگ، زمان شروع و پایان مشخصی نداشته و مستمر و متوالی است. برهمن اساس، همه افراد و آحاد جامعه می‌توانند ابزار و عامل این جنگ باشند. این جنگ، جنگ تفکر و باورهاست و مقدمه و پیش‌شرط رسیدن به اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود. توجه داشته باشید که سوخت اصلی این جنگ، اطلاعات، اخبار و پیام‌هایی است که روزانه پمپاژ و مبادله می‌شود.

حال با توجه به ماهیت جنگ نرم همه‌جانبه، گسترده و برنامه‌ریزی شده دشمن و ابعاد آن مشخص است که مبارزه و مقابله با این جنگ بسیار سخت و پیچیده است و بایستی همه مرزبانان فرهنگی با شناخت مسائل و شناسایی اهداف دشمن، برنامه‌ریزی و طراحی دقیق و کلان انجام داده و براساس این طراحی حرکت کنند. از سویی دیگر، ضروری است که با بهره‌گیری از رهنمودها و فرمایشات رهبر حکیم و فرزانه انقلاب، نصب‌العین قرار دادن آن و استفاده از سازوکارهای مناسب و مختلف از اعمال بیشتر تهدیدات نرم پیشگیری کرده و با خروج از انفعال، بدعملی و بی‌عملی با مداخله موثر و هوشمندانه، دامنه پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن را کاهش و از میان ببرند.

رسانه‌ها در خط مقدم این کارزار قرار دارند. با نظارت، هدایت، تولید محتوای فاخر و پاسخ به نیازهای آنی و آتی در این مسیر به هدایت جامعه پرداخته و زمینه‌ساز خنثی نمودن طرح‌ها و برنامه‌های دشمنان این مرز و بوم شوند. در این بین نقش نهادهایی مثل آموزش عالی، وزارت ارشاد، آموزش و پرورش، رسانه ملی، وزارت ارتباطات و... بسیار پررنگ و مهم است.

